

وقتی مدیران داخلی نمی بینند

اولین جایی که طرحش را پذیرفتند، نه دانشگاه خودش بود، نه زیست بوم های فناوری ایرانی و نه کارخانه های بزرگی که با انرژی سروکار دارند؛ بلکه اینوویک ازبکستان، یک نمایشگاه بزرگ نوآوری در سطح آسیا، با دآوری سه مرحله ای، سخت گیرانه و خاص پسند، آن را پذیرفت و مشتاقانه از او دعوت کردند برای ارائه طرحش برود. ما چرا از یک نمایشگاه شروع شد. محمد جواد به همراه تیمشان برای عرضه دستگاه های گرمایشی به ازبکستان رفته بودند. در آنجا مسئول کشورهای فارسی زبان آژانس توسعه آسیای میانه، درباره انواع انرژی از محمد جواد سؤال پرسید. او هم به همه سؤالانش پاسخ داد. وقتی دلیل تسلط نمینی را بر این موضوع جویا شد، محمد جواد از طرحش برای او گفت. این طرح مورد توجه قرار گرفت و آن مسئول او را راضی کرد که طرحش را برای شرکت در مسابقات اینوویک ازبکستان بفرستد.

باناترازی های انرژی طرح اهمیت پیدا کرد

کشور باناترازی شدید گاز و برق روبه روبود؛ مصرف زیاد، زیرساخت های فرسوده، یارانه ای که صنعت را از امکان نوآوری دور نگه داشته بود. در چنین شرایطی، طرح محمد جواد اهمیت پیدا کرد. این جوان محله فلسطین تعریف می کند: یک روز در جمع زیست بوم نوآوری شتاب درباره طرح صحبت می کردم و جواب های منفی ای که از اجرای آن گرفته ام، به دوستانم گفتم با اجرای طرح من در یک میلیون خانه، ۹۰۰ میلیون مترمکعب صرفه جویی خواهد شد که این یعنی بیش از ۱۹ هزار میلیارد تومان

درآمد در صورت صادر کردن همان مقدار گاز. یک نفر از آن جمع که اورانمی شناختم درباره طرحم سؤالاتی پرسید و در نهایت شماره تماسم را گرفت. بعد از آن دیدار از من دعوت کردند برای اجرای طرح در یکی از شهرستان های اطراف به صورت آزمایشی همکاری کنم. پیش از این خیلی اذیت شده بود، نه شنیده بودم، اما هیچ چیز به اندازه وطنم برایم مهم نیست. برای همین بی خیال آن همه اتفاق، با خوشحالی همکاری با آن ها را پذیرفتم.

طرح من جزو ۵ طرح برتر شد

محمد جواد که طرحش را بارها و بارها ارائه کرده و هر بار به بهانه ای رد شده بود، حالا قرار بود آن را در مسابقات بین المللی نوآوری و اختراعات آسیای میانه ارائه دهد. این بیشتر برایش شبیه یک شوخی بود تا واقعیت. او می گوید: سال گذشته طرح را فرستادم. سه مرحله دآوری سخت را پشت سر گذاشت و در میان بیست طرح برتر آسیا قرار گرفت. همان سال به من اصرار کردند به ازبکستان بروم و در نمایشگاه شرکت کنم، اما این موضوع برایم که همیشه جواب نه شنیده بودم، جدی نبود و با تمام اصرار مسئولان نمایشگاه به ازبکستان نرفتم. محمد جواد ادامه می دهد: یک هفته بعد از نمایشگاه تماس گرفتند و گفتند طرحم جزو پنج طرح برتر آسیا شده است. سال آینده مهمان ویژه آن ها هستم و حتما باید به نمایشگاه بروم. اما هنوز شک داشتم. می گفتم چرا طرح من؟!

از رفتن به ایتالیا باز ماندم

ما چرا برای او جدی نبود. به قول خودش طرحش را در کتابخانه گذاشته بود تا خاک بخورد. دیگر مهم نبود. چون به پیشنهاد دوستانش برنامه رفتنش را چیده بود و بالاخره توانست پذیرش دانشگاه پلی تکنیک میلان در کشور ایتالیا را بگیرد. او می گوید: قرار بود سال تحصیلی جدید در میلان باشم، اما جنگ دوازده روزه همه برنامه هایم را تغییر داد و مسیرم را بست. سفارتخانه ها تعطیل شدند، امتحان ها جابه جا شد و من ماندم و برنامه هایی که برای اجرای آن ها تردید داشتم.

شگفتی دنیا از جوان ایرانی

خنده از لبانش محو می شود و مکث می کند و ادامه می دهد: می دانستم حمایت آن ها از من، هرگز در ایران اتفاق نخواهد افتاد. حتی دانشگاهم نمی دانست من در این رویداد شرکت کرده ام؛ اما من وطنم را بیشتر از هر چیزی دوست دارم؛ پس تمام تلاشم را برای آبادانی آن می کنم. او می گوید: وقتی برگشتم، هیچ کس در دانشکده ام منتظر من نبود. اما آنجا را دوست دارم. برای همین اولین جایی که رفتم، دانشکده بود. با دیدن مدال متعجب شدند و پرسیدند چرا به ما چیزی نگفتی. البته مهم تر از مدالی که کسب کردم، این بود که بالاخره مدیران حرف مرا شنیدند و امیدوارم فضا برای دانشجویان بعدی هموارتر شود. این روزها محمد جواد نمینی در حوزه ترکیب سامانه های خورشیدی و تجدید پذیر همکاری می کند تا مصرف انرژی را به حداقل برسانند و بین هفتاد تا نود درصد انرژی منازل را بدون وابستگی به گاز و برق شهری تأمین کنند.

طرح او برترین طرح سال ۲۰۲۵ در آسیا شد؛ طرح طلایی اینوویک. همان شب اعلام نتایج، شبکه تلویزیونی سی بی سی کاسپین کشور روسیه با او مصاحبه کرد و خواستند درباره طرحش توضیح دهد. با آن مصاحبه همه چیز برای محمد جواد تغییر کرد؛ به ویژه وقتی عنوان شد ایران چهارمین کشور دنیاست که چنین فناوری ای را بومی سازی کرده است. محمد جواد توضیح می دهد: روال نمایشگاه این است که سرمایه گذاران بسیاری از کشورهای آمریکا، روسیه، ژاپن، آلمان و... حضور دارند تا برای طرح های برتر سرمایه گذاری کنند. بعد از مصاحبه درباره طرحم، کشورهای مختلف پیشنهاد های بسیاری دادند، اما جوابم یک جمله بود: نه؛ من در کشورم به اندازه کافی حمایت می شوم. محمد جواد که از ابتدای گفت و گو لبخند بر لب دارد و با انرژی جوانی صحبت می کند،



سعید و حیدری، استاد یار گروه مهندسی دانشکده شهید منتظری و رئیس گروه تأسیسات:

پشتکار، کلید موفقیت محمد جواد



او دانشجویی علاقه مند، پیگیر و منظم بود و همین ویژگی ها باعث می شد ارتباط بیشتری با استادانش برقرار کند. با دیدن اشتیاق و تلاش بی وقفه او، سعی کردم در حد توانم راهنمایی های لازم را ارائه کنم. ادب، پشتکار، انگیزه زیاد و نظم او نشان می داد که برای رسیدن به اهدافش مصمم است و همین علاقه زیادش مرا بر آن داشت که در این مسیر به او کمک کنم.

یکسان ارائه می شود، اما پیشرفت واقعی به انگیزه و تلاش هر فرد بستگی دارد که آقای نمینی این ویژگی را داشت. محمد جواد در این مسیر زحمات بسیاری کشید و با پشتکار زیاد به موفقیت های چشمگیری رسید.

محمد جواد از جمله دانشجویانی بود که علاوه بر تحصیل، در بازار کار نیز فعالیت داشت. با توجه به چالش های موجود در زمینه باناترازی انرژی در کشور، تصمیم گرفتیم با همکاری یکدیگر، به ویژه در حوزه ساختمان، گام های مؤثری برداریم و در این زمینه کار کنیم. در کلاس هایم، مطالب آموزشی برای همه دانشجویان

خراسان چی، مادر محمد جواد:

محمد جواد را به امام رضا (ع) سپردم



محمد جواد، آرام و مهربان، جدی و سمج است. پس از فوت پدرش، مثل یک مرد در کنار برادرش ایستاد و بجگی نکرد. همیشه با خودم فکر می کنم در آن روز هایی که باید در دنیای کودکان غرق می شد، بجگی نکرد. بعد از فوت همسر من به حرم امام رضا (ع) رفتم و گفتم من سه فرزند دارم، دو پسر و یک دختر. این بچه ها را به تومی سپارم. هر وقت می بینم بچه هایم در کاری مانده اند، پناهم حرم است. زمان دیپلم، ناگهان گفت پزشکی را دوست ندارم. با تعجب پرسیدم: چرا حالا می گویی؟ محمد جواد گفت فقط به خاطر تومی خوانم. گفتم: همیشه آرزویم این است که برای جامعه مفید باشی، نه اینکه حتما پزشک بشوی. وقتی می خواست به دانشکده شهید منتظری برود، دیپلم او را نپذیرفتند. پنج ماه در رفت و آمد بودیم تا توانست دیپلم فنی و حرفه ای را بگیرد. آن روزها، دل نگرانی دیگری هم داشتیم: مبادا محمد جواد را برای سربازی ببرند. این بار به امام زمان (عج) متوسل شدم و با همین توسل ها، گره از کارش باز شد.

محمد علی نمینی، برادر محمد جواد:

هیچ وقت دلسرد نمی شود



محمد جواد کارنامه درخشانی دارد که خودش گویای همه تلاش هاست. شش ساله بود که پدر را از دست دادیم. از همان روز، روی پای خودش ایستاد و هر چه به دست آورده، حاصل همت خودش است. او به خاطر پشتکارش، هیچ وقت دلسرد نمی شود. در هیئت مداحی می کند، کلاس های فرهنگی و امام شناسی برای بچه های محل برگزار می کند. همیشه به او می گویم: موفقیت هایت به لطف خداست. او همیشه پشت من است و هوای یکدیگر را داریم.